

آمریکا پیش نویس قطعنامه پیشنهادی برای خلع سلاح حماس را به شورای امنیت ارائه داد

ورود میانجی به فاز حمایت از مجرم



علی نیک‌پندار | ایالات متحده پیش نویس از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد را به گردش درآورده که هدف آن، استقرار نیروی امنیتی بین‌المللی برای خلع سلاح حماس و تضمین امنیت پایدار در نوار غزه است. به عبارت دیگر، شورای امنیت سازمان ملل که قرار است نقش قاضی و میانجی در موضوعات مهم را داشته باشد حالا می‌خواهد به نفع مجرم ماجرا که اسرائیل است، ورود کند؛ ابتکاری که بخشی از «طرح جامع پایان درگیری غزه» دونالد ترامپ(۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵) به‌شمار می‌رود، اما با نادیده گرفتن واقعیت دموکراتیک غزه – جایی که حماس در انتخابات ۲۰۰۶ با اکثریت آرایه قدرت رسید – عملاً آراه مردم این منطقه را زیر پا می‌گذارد و پرسش‌های جدی درباره صداقت میانجی‌گری غربی مطرح می‌کند.

به گزارش تایمز آو اسرائیل، ایالات متحده که پیش‌تر قطعنامه‌های مشابهی را و تو کرده بود(مانند قطعنامه ژوئن ۲۰۲۵ برای آتش‌بس دائمی) اکنون به عنوان میانجی عمل می‌کند، اما این تغییر موضع بیش از آنکه نشان‌دهنده رویکرد بی‌طرفانه باشد، بیانگر اولویت‌دهی به منافع اسرائیل است. این پیش‌نویس که روز دوشنبه(۳ نوامبر) به اعضای شورای امنیت ارسال شد، براساس گزارش آکسیوس، با هماهنگی اسرائیل تدوین شده و هدف آن جلوگیری از بازگشت حماس به قدرت است؛ هدفی که بدون توجه به ریشه‌های سیاسی حماس به عنوان نیروی منتخب، محکوم به شکست است.

■ جزئیات پیش‌نویس قطعنامه

پیش‌نویس که به گزارش آکسیوس به‌طور کامل منتشر شده است، بر استقرار «نیروی امنیتی بین‌المللی» (آی اس اف) برای حداقل دو سال (تا پایان ۲۰۲۷، با امکان تمدید) تمرکز دارد. این نیرو که تحت فرماندهی متحد و با مشورت مصر و اسرائیل عمل خواهد کرد، وظایفی مانند حفاظت از مرزهای غزه با اسرائیل و مصر برای جلوگیری از قاچاق سلاح، تضمین امنیت راه‌روهای بشردوستانه، جلوگیری از درگیری‌های داخلی، همکاری با نیروی پلیس فلسطینی جدید برای انتقال تدریجی مسئولیت‌ها و تثبیت محیط امنیتی غزه از طریق تضمین فرایند خلع سلاح نوار غزه شامل نابودی و جلوگیری از بازسازی زیرساخت‌های نظامی، تروریستی و تهاجمی و خلع سلاح دائمی گروه‌های مسلح غیردولتی را بر عهده می‌گیرد؛ بندی که به‌طور ضمنی به خلع سلاح اجباری حماس در صورت عدم همکاری داوطلبانه اشاره دارد و با اصول دموکراتیک در تضاد است. پیش‌نویس همچنین «هیئت صلح غزه» (بی‌اوپ) را به عنوان سازوکار حکومتی انتقالی بین‌المللی معرفی می‌کند که مسئولیت بازسازی غزه، مدیریت توزیع کمک‌های بشردوستانه و نظارت بر فعالیت‌های تشکیلات خودگردان فلسطین (تا زمان تکمیل اصلاحات) را بر عهده دارد. این هیئت شامل کمیته‌ای حرفه‌ای و غیرسیاسی فلسطینی (تحت نظارت بی‌اوپ) برای مدیریت امور روزمره غزه است. حماس باید کنترل حکومتی خود را واگذارد و مبارزان آن، در ازای عفو، اجازه خروج ایمن از غزه را خواهند داشت. هدف نهایی، انتقال قدرت به تشکیلات خودگردان فلسطین تا پایان مأموریت نیروی امنیتی بین‌المللی است. اما این ساختار با ایجاد یک اداره خارجی، عملاً حاکمیت مردم غزه را

تضعیف می‌کند. به گزارش اسرائیل هیوم، بی‌اوپ تضمین می‌کند منابع بشردوستانه منحصراً به نیازهای غیرنظامیان اختصاص یابد و از انحراف آن‌ها به سمت حماس یا گروه‌های تروریستی جلوگیری کند. این ساختار همچنین با ایجاد صندوق بین‌المللی برای بازسازی غزه(با همکاری بانک جهانی واهدانندگان) همراه است، اما این نظارت‌سخت‌گیرانه می‌تواند به ابزار برای کنترل سیاسی تبدیل شود. به گزارش آکسیوس، یک مقام آمریکایی گفته است: «این نیرو یک نیروی اجرایی است، نه صلح‌چان و اولین نیروها تا ژانویه ۲۰۲۶ مستقر خواهند شد». متن کامل پیش‌نویس، شورای امنیت را به تصویب فوری دعوت می‌کند و بر «طرح جامع ترامپ» به عنوان پایه مذاکرات تأکید دارد، اما این شتاب‌زدگی بدون توجه به صدای مردم غزه، خطری ثباتی بیشتر را افزایش می‌دهد.

■ واکنش‌ها و دیدگاه‌ها

به گزارش تایمز آو اسرائیل، بنیامین نتانیاهو این طرح را «گامی مثبت» خوانده و تأکید کرده با بسیاری از خواسته‌های اسرائیل، از جمله خلع سلاح کامل، همخوانی دارد، اما اسرائیل با حضور ترکیه در نیروی امنیتی بین‌المللی مخالفت کرده و آن را «غیرقابل قبول» می‌داند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، مقامات حماس اما خلع سلاح را «غیرقابل مذاکره» توصیف کرده‌اند و یک مقام ارشد به خبرگزاری فرانسه گفته: «خلع سلاح فقط با برقراری دولت فلسطینی مستقل ممکن است».

حماس طرح را به عنوان «تهدیدی علیه مقاومت» رد کرده، اما با آزادی گروه‌گان‌ها و انتقال اداره موقت موافقت شرطی نشان داده‌است، و واکنشی طبیعی به طرحی که ازاده انتخاباتی مردم را نادیده می‌گیرد. به گزارش هآرتس، محمود عباس، رئیس تشکیلات، طرح را «فرصتی برای پایان اشغال» نامیده، اما بر ضرورت حفظ حقوق فلسطینی‌ها تأکید کرده‌است. فعالان غزه هم این طرح را «مداخله خارجی» می‌دانند که ممکن است به «استعمار جدید» منجر شود. به گزارش المیادین، عربستان و مصر از طرح حمایت کرده‌اند، اما بر نقش کشورهای عربی در نیروی امنیتی بین‌المللی اصرار دارند، حمایتی که ممکن است به قیمت چشم‌پوشی از حقوق فلسطینی‌ها باشد. به گزارش اخبار سازمان ملل متحد، روسیه و چین احتمالاً با بندهای خلع سلاح مخالف خواهند بود و آن را «یک‌طرفه» می‌خوانند. این خبرگزاری همچنین گفته اتحادیه اروپا بر ضرورت تمرکز بر بازسازی بشردوستانه تأکید دارد و ۸/۱ میلیارد یورو کمک جدید اعلام کرده‌است، اما این کمک‌ها بدون حل ریشه‌های سیاسی، تنها مسکنی موقت هستند. در پست‌های کاربران کلیدی در پلتفرم ایکس، بحث‌ها داغ است؛ کاربران حامی اسرائیل مانند منبج باز اطلاعاتی از «تعهد ایالات متحده به خلع سلاح حماس» استقبال کرده‌اند، در حالی که منتقدان، مانند موغانویی آن را «نمایش صلح بدون عدالت» می‌دانند و ماریونافال در پستی با بیش از ۳۸۰ هزار بازدید، رد حماس را برجسته کرده است.

در نشست‌ی که به میزبانی یورونیوز برگزار شد درباره عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا بحث شد

دیوار بلند واقعیت بر سر راه عضویت کی‌یف

قوی‌تری است. معاون نخست‌وزیر اوکراین نیز با اشاره به عزم راسخ کشورش برای همسویی کامل با قوانین اتحادیه اروپا بیان کرد: با وجود چالش‌های جنگی، روند قانون‌گذاری در راستای مبارزه با فساد و تضمین استقلال قضایی با سرعتی بی‌سابقه پیش می‌رود. وی این اقدامات را نه صرفاً به خاطر عضویت، بلکه برای تضمین یک آینده دموکراتیک و اروپایی برای ملت خود خواند. اما در سوی دیگر میز، سخنگوی کمیسیون اروپا تأکید کرد تعیین زمان‌بندی باید براساس دستاوردها باشد نه تمایلات سیاسی. او به‌طور خاص به دو مانع اصلی اشاره کرد: اصلاحات اقتصادی ساختاری و ظرفیت بودجه‌ای اتحادیه اروپا برای جذب یک کشور بزرگ با نیازهای بازسازی گسترده. منابع نشان می‌دهند پذیرش فوری اوکراین، می‌تواند توازن مالی بلوک را به‌شدت تغییر دهد.

■ جدال بر سر مرحله‌بندی

موضوع داغ نشست، بررسی دقیق مفهوم ادغام تدریجی بود؛ رویکردی که

به اوکراین اجازه می‌دهد از مزایای عضویت، مانند دسترسی به برخی بازارهای کلیدی یا مشارکت در برنامه‌های مشخص، پیش از تأیید نهایی بهره‌مند شود. این ایده از سوی رهبران اروپای شرقی به عنوان یک پل عملی حمایت می‌شود اما با مقاومت شدید چند کشور عضو قدیمی مواجه است. آن‌ها هشدار می‌دهند این مدل می‌تواند به یک عضویت درجه‌۲ منجر شود و انگیزه‌های لازم برای تکمیل اصلاحات دشوار را از بین ببرد. یکی از نمایندگان اظهار کرد: با همه قوانین اجرایی شوند، با هیچ‌کس نباید پیش از موعد از مزایا بهره‌مند شوند.

این نشست در حالی به پایان رسید که هیچ تاریخ مشخصی برای آغاز رسمی مذاکرات الحاق اعلام نشده و در بیانیه پایانی، اتحادیه اروپا بر تداوم حمایت قاطع تأکید کرد اما نتیجه‌گیری این بود که هرگونه پیشرفت ملموس، منوط به تثبیت کامل اوکراین در بخش‌های کلیدی حکمرانی و ارائه تضمین‌های قوی‌تر از سوی کی‌یف است. به‌نظر می‌رسد مسیر اروپایی اوکراین یک maratn طاقت‌فرسا با نظارت دقیق ناظران اروپایی است.

برنامه رسانه‌ای کارلسن؛ صدای لرزان منتقدان آمریکایی

انسان‌های خیلی خوبی که «تاکر» از آن‌ها متنفر است!

نیست». این در حالی است که به باور تحلیلگران مستقل آمریکایی، صهیونیست‌ها در آمریکا دچار وحشت‌شده‌اند و حمایت از آن‌ها در آخرین سنگرشان یعنی جریان «شکوه دوباره آمریکا» در حال فروپاشی است و برای این شکست محتمل، تاکر کارلسن را مقصر می‌دانند. هر چند گروهی دیگر از جمهوری خواهان و حامیان ترامپ، درصدد انکار نقش و تأثیر کارلسن برآمده و به عنوان مثال، سناتور «لیندسی گراهام» در واکنش به حواشی درباره او گفته است: «به کسانی که نگران آن مصاحبه‌های احقانه هستند؛ نگران نباشید! حزب جمهوری خواه راهش را پیدا کرده است...». این در حالی است که این اتفاق نظر وجود داشته که صهیونیست‌های برجسته در آمریکا، اکنون خواستار «ختنی‌سازی» کارلسن شده و زمینه را برای حذف او فراهم می‌کنند و این نگرانی، پس از ترور «چارلی کرک» قوت گرفته است. این احتمال با اشاره مستقیم به

کارلسن در آخرین نشست آپیک و برچسب‌گذاری او با عنوان «هیترلر جدید» بیش از پیش جدی به نظر می‌رسد. در همین حال، تاکر کارلسن که به نظر می‌رسد علاقه چندانی به تکرار سناریو چارلی کرک و احساس یک شلیک دقیق در قسمت فوقانی بدن خود ندارد، به‌طور علنی از صهیونیست‌های مسیحی عذرخواهی کرده است. او که پیش‌تر گفته بود «بیش از هر کسی در جهان از آن‌ها متنفر است» حالا ادعا می‌کند آن حرف را از روی عصبانیت زده و اکنون از آن پشیمان است و اضافه می‌کند «برخی از مهربان‌ترین افرادی که می‌شناسد، صهیونیست‌های مسیحی هستند». کارلسن توضیح می‌دهد عصبانیتش به خاطر سکوت آن‌ها (صهیونیست‌های مسیحی) در برابر بمباران کلیساها و کشتار کودکان توسط اسرائیل بوده است. او در پایان می‌گوید: «آن‌ها واقعاً انسان‌های خوبی هستند»!

رصد

نگاهی به تفرقه‌ها و طرح این پرسشی که این ابزار آیا برای نفوذ استفاده می‌شود یا عامل واگرایی جهانی است؟

شمشیر دولبه قدرت اقتصادی آمریکا

سیداحمد موسوی | در دهه‌های اخیر، ایالات متحده بیش از هر زمان دیگری از قدرت اقتصادی خود به‌عنوان ابزاری برای سیاست خارجی بهره برده است. واشنگتن که روزگاری بر دیپلماسی و اتحادهای چندجانبه تکیه داشت، اکنون اقتصاد را به سلاحی راهبردی بدل کرده است. تعرفه‌های تجاری بر چین و تحریم‌های گسترده علیه روسیه دو نمونه بارز از این سیاست هستند که اگرچه باهدف حفاظت از منافع ملی طراحی شدند، اما پیامدهایی فراتر از انتظار در نظام جهانی بر جا گذاشتند.

■ تحریم‌هایی که نظام بین‌المللی را لرزاندند

با آغاز حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، آمریکا و متحدانش مجموعه‌ای بی‌سابقه از تحریم‌ها را علیه مسکو وضع کردند. شرکت‌های انرژی روسیه هدف محدودیت‌های صادراتی قرار گرفتند، بانک‌های این کشور از نظام مالی جهانی کنار گذاشته شدند و دارایی‌های الیگارش‌های نزدیک به کرملین مسدود شد. هدف اصلی روشن بود: تضعیف توان مالی روسیه و وادار کردن ولادیمیر پوتین به تغییر مسیر جنگ.

در کوتاه‌مدت، اقتصاد روسیه ضربه سنگینی خورد و ارزش روبل کاهش یافت. با این حال، مقاومت این کشور فراتر از برآوردهای اولیه بود. روسیه توانست با تغییر مسیر صادرات نفت به چین، هند و سایر کشورها، اثر بخشی تحریم‌ها را خنثی کند. اگرچه بخش انرژی روسیه ناچار شد نفت خود را با تخفیف بفروشد، اما جریان درآمدی کشور قطع نشد. در عوض، مسکو به‌شدت به یکن وابسته‌تر و از دسترسی به فناوری‌های پیشرفته غربی محروم شد.

در سوی دیگر، اروپا که به گاز روسیه وابسته بود، با بحران انرژی و افزایش قیمت‌ها روبه‌رو شد. کشورهای در حال توسعه نیز با افزایش هزینه مواد غذایی و سوخت دست‌وپنجه نرم کردند. به این ترتیب، تحریم‌هایی که برای مجازات روسیه طراحی شده بودند، به‌طور ناخواسته بخش‌های گسترده‌ای از اقتصاد جهانی را متأثر کرده و پرسش‌هایی جدی درباره هزینه‌های جانبی این نوع اقدامات برآگیختند.

از منظر سیاسی نیز نتیجه دقیقاً مطابق انتظار غرب پیش نرفت. تحریم‌ها نه تنها موجب عقب‌نشینی کرملین نشدند، بلکه به تقویت گفت‌وتمان «خسومت غرب» در داخل روسیه انجامیدند. برای بسیاری از کشورهای جنوب جهانی، این وضعیت نشانه‌ای از دوگانگی در اجرای ارزش‌های غربی بود و احساس وجود نظامی ناعادلانه در نظم بین‌الملل را تقویت کرد.

■ جنگ تجاری آمریکا و چین؛ رقابتی بی‌پایان

در نقطه مقابل، تعرفه‌های واشنگتن بر چین نه از دل جنگ نظامی بلکه از رقابت اقتصادی برخاست. دولت آمریکا در سال ۲۰۱۸ با اتهام سرقت مالکیت فکری و رفتارهای تجاری ناعادلانه، بر میلیاردها دلار کالای چینی تعرفه وضع کرد. هدف رسمی، حمایت از صنایع داخلی و کاهش وابستگی به کالاهای وارداتی از شرق آسیا بود. اما این سیاست نیز پیامدهای چندوجهی داشت. چین بلافاصله مقابله به مثل کرد و بر محصولات کشاورزی و صنعتی آمریکا تعرفه بست. در نتیجه، قیمت کالاهادر آمریکا افزایش یافت و ذخیره‌های تأمین جهانی مختل شد. هرچند این سیاست‌ها رشد اقتصادی چین را اندکی کند کرد، اما یکن را به سمت خودکفایی بیشتر سوق داد. سرمایه‌گذاری در فناوری‌های داخلی و گسترش روابط تجاری با کشورهای عضو آسه‌آن از جمله نتایج مستقیم این فشارها بود. به موازات آن، توافق «مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای» (RCEP) به چین امکان داد در قالب بزرگ‌ترین بلوک تجاری جهان، جایگزین‌هایی برای بازارهای آمریکایی بیابد. در نهایت، نه تنها کسری تجاری آمریکا کاهش نیافت، بلکه وابستگی متقابل دو اقتصاد بیش از پیش آشکار شد. کشاورزان آمریکایی بازارهای صادراتی خود را از دست دادند و شرکت‌های تولیدی با هزینه‌های بالاتری روبه‌رو شدند.

■ اقتصاد؛ ابزار دیپلماسی یا سلاح فشار؟

تعرفه‌های چین و تحریم‌های روسیه در ظاهر ابزارهایی متفاوت برای مشکلاتی متفاوت‌اند؛ یکی برای مهار رقابت اقتصادی، دیگری برای پاسخ به تجاوز نظامی. با این حال، هر دو بیانگر راهبردی واحد هستند؛ استفاده از قدرت اقتصادی برای تحقق اهداف سیاسی، بدون شلیک حتی یک گلوله.

اما همان‌گونه که تجربه نشان داده، این ابزارها شمشیری دولبه‌اند. تحریم‌ها بازار انرژی جهانی و تعرفه‌ها ساختار تولید جهانی را تغییر دادند. در حالی که برخی صنایع از سیاست «بازگرداندن تولید» سود بردند، هزینه‌ها و بی‌ثباتی در سطح بین‌المللی افزایش یافت.

در بعد ژئوپلیتیکی، سلاح‌سازی اقتصاد، پیامدهای گسترده‌تری دارد. واشنگتن با شرطی کردن دسترسی به بازارها و نظام مالی خود به همسویی سیاسی، رقبا را به سمت ایجاد نهادهای جایگزین سوق داده است. چین با تقویت نقش یوان در تجارت جهانی و توسعه بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا، در پی کاهش وابستگی به دلار است. روسیه نیز ناگزیر، به همپیمانی عمیق‌تر با یکن رو آورده است. حتی متحدان آمریکا نیز برای پرهیز از گرفتار شدن در تقابل قدرت‌های بزرگ، به سیاست‌های متوازن‌تری گرایش یافته‌اند.

■ افول نظم اقتصادی لیبرال

پیامد کلی این روند، تضعیف همان نظام اقتصادی لیبرالی است که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بنیان‌گذاری کرد. جهان به سمت تقسیم به بلوک‌های اقتصادی و سیاسی رقیب در حرکت است؛ پدیده‌ای که هزینه و نااطمینانی را برای دولت‌ها و بنگاه‌ها افزایش می‌دهد. اگر این روند ادامه یابد، واشنگتن ممکن است شاهد فرسایش جایگاه دلار و محدود شدن نفوذ اقتصادی خود باشد. در نهایت، درس بزرگ این تحولات آن است که فشار اقتصادی بدون همراهی ابزارهای سیاسی می‌تواند نتیجه معکوس بدهد؛ دشمنان را مقووتر و متحدان را دورتر کند. ایالات متحده در عصر رقابت قدرت‌های بزرگ، جایگاه خود را از دست داده و شمشیر دولبه قدرت اقتصادی، همان‌گونه که رقبای آمریکا را هدف گرفته، خود واشنگتن را نیز زخمی کرده است.